

تحلیل روایات عرضه‌ی حدیث بر قرآن

سردبیر

در پاره‌ای از روایات آمده‌است که معصومان علیهم‌السلام فرمودند: روایات ما را بر قرآن کریم عرضه کنید؛ هرچه را که موافق آن یافتید، بپذیرید و آنچه را که مخالف آن دیدید، دور بیاورید که اینک دو نمونه از آنها ذکر می‌شود:

امام باقر علیه‌السلام فرمود: من در کتاب علی علیه‌السلام خواندم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: **إنه سیکذب علی کما کذب علی من کان قبلی ، فما جاءکم عني من حدیث وافق کتاب الله فهو حدیثی ، وأما ما خالف کتاب الله فلیس من حدیثی**^۱ بر من دروغ بسته خواهد شد؛ چنان‌که بر کسانی که پیش از من بودند، دروغ بستند؛ از این رو هر حدیثی از من به شما رسید که موافق کتاب خدا بود، آن حدیث من است و هرچه مخالف کتاب خدا بود، حدیث من نیست. کشی از یقطینی و او از یونس بن عبد الرحمن آورده‌است که یکی از شیعیان از او پرسید: ای یونس چرا در نقل حدیث سخت می‌گیری و بسیاری از آنچه را که شیعیان روایت می‌کنند، رد می‌کنی؟ چه چیزی موجب شده‌است که این احادیث را رد می‌کنی؟ او پاسخ داد: هشام بن حکم برایم نقل کرد که از امام صادق (ع) شنیده‌است که می‌فرمود:

لا تقبلوا علینا حدیثاً الا ما وافق القرآن والسنة ، أو تجدون معه شاهداً من أحادیثنا المتقدمة ، فان المغيرة بن سعید لعنه الله دس فی کتب أصحاب أبی أحادیث لم یحدث بها أبی فاتقوا الله ولا تقبلوا علینا ما خالف قول ربنا

تعالی و سنة نبینا محمد صلی الله علیه وآله فانا إذا حدثنا قلنا : قال الله عزوجل ، وقال رسول الله صلی الله علیه وآله.^۲

بر ما تنها حدیثی را بپذیرید که با قرآن و سنت موافق باشد یا همراه آن شاهی از احادیث پیشین ما بیایی؛ چون مغیره بن سعید که نفرین خدا بر او باد، در کتاب های شیعیان پدرم احادیثی را که نرموده بود، جای داد؛ پس از خدا پروا کنید و آنچه را که با سخن پرودگاران و سنت پیامبران مخالفت دارد، به ما نسبت ندهید؛ زیرا ما هرگاه حدیث نقل می کنیم، می گوئیم: خدای عز و جل فرمود؛ رسول خدا(ص) فرمود.

یونس افزود: به کوفه رفتم. در آنجا پاره ای از شیعیان امام باقر(ع) را یافتم و شیعیان امام صادق(ع) را نیز به وفور دیدم. از آنان احادیثی را شنیدم و کتاب هایشان را گرفتم و بعد آنها را بر امام رضا(ع) عرضه کردم. آن حضرت احادیث بسیاری را انکار کرد که از احادیث امام صادق(ع) باشد و به من فرمود: ان أبا الخطاب كذب علي أبي عبد الله (ع)، لعن الله أبا الخطاب وكذلك أصحاب أبي الخطاب يدسون هذه الاحاديث إلى يومنا هذا في كتاب أصحاب أبي عبد الله (ع) فلا تقبلوا علينا خلاف القرآن ، فانا ان حدثنا حدثنا بموافقة القرآن وموافقة السنة ، أنا عن الله وعن رسوله نحدث^۳ ابوالخطاب بر پدرم امام صادق(ع) دروغ بست. خدا ابوالخطاب و یاران او را نفرین کند که این احادیث را تا امروز در کتاب های شیعیان پدرم امام صادق(ع) جای می دهند؛ از این رو مخالف قرآن را به ما نسبت ندهید؛ زیرا ما اگر نقل کنیم، موافق قرآن و موافق سنت نقل می کنیم و ما از خدا و رسولش نقل می کنیم.

در خصوص این روایات، سئوالات چندی قابل طرح است که اینک برخی از مهم ترین آنها بیان می شود:

۱. ملاک موافقت و مخالفت حدیث با قرآن چیست و چه حدیثی را باید موافق و کدامیک را مخالف خواند؟

۲. میزان مخالفت حدیث با قرآن در چه حدی است؟ آیا مخالفت جزئی حدیث نیز با قرآن موجب طرد حدیث می شود؟

۳. گستره‌ی قرآن تا کجاست؟ آیا قرآن فقط منطوق آن است یا مفاهیم آن را نیز در برمی‌گیرد؟

۴. به چه جهت پاره‌ای از احادیث که با قرآن مخالفت جزئی دارد، دور افکنده نمی‌شود؛ بلکه قرآن با آنها تقیید و تخصیص خورده می‌شود؟

آنچه در پاسخ به این سئوالات به نظر می‌رسد، این است که حدیثی را می‌توان موافق قرآن خواند که از این امور بیرون نباشد:

الف. همان معنای منطوقی قرآن در حدیث آمده باشد؛

ب. معنای حدیث با مفهوم قرآن مطابقت داشته باشد؛ یعنی معنای آن عبارت

از لوازم معنای قرآن باشد؛ اعم از لازم بین و غیر بین؛

ج. معنای حدیث از قبیل مصادیق و موارد آیه‌ی قرآن باشد؛

د. معنای حدیث از قبیل ملاک و مناط آیه باشد و به تعبیر دیگر آیه‌ی قرآن

یکی از مصادیق و موارد حدیث به شمار رود.

شایان ذکر است که میان حدیث و آیه در مورد اخیر ملازمه‌ی غیر بین وجود

دارد؛^۴ به این ترتیب، این قسم نیز به قسم قبلی ملحق می‌شود.

نیز به نظر می‌رسد، حدیثی را می‌توان مخالف قرآن دانست که مراد یا لوازم

مراد آن حدیث با مراد خدای تعالی یا لوازم آن معارضت جزئی یا کلی داشته باشد.

در منطق، تعارض جزئی را تناقض و تعارض کلی را تضاد می‌خوانند؛ بنابراین

آنجایی که مراد و لوازم حدیث با مراد خدا و لوازم آن معارضتی نداشته باشد،

مخالفتی میان آن دو وجود ندارد. تعارض‌های ظاهری نظیر عموم و خصوص و

اطلاق و تقیید از این جمله‌اند.

آنچه آمد، نظری است درخور نقد و تفصیل و به این ترتیب از قرآن‌پژوهان

محترم خواسته می‌شود، با نگارش مقالات تحلیلی و تحقیقی به نقد این نظر

اهتمام ورزند و صحیفه‌ی مبین از این مقالات استقبال می‌کند.

پي نوشتها

۱. احمدی میانجی؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۱۶۳ و مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲۷: ابن ظریف عن ابن علوان عن جعفر عن أبيه (ع) قال:
۲. مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۳
۳. همان
۴. رک: معرفت؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ط ۱، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی